

بسم الله الرحمن الرحيم

اظهارات خطرناک درباره صلح با رژیم یهود از سوی اداره جدید سوریه

(ترجمه)

خبر:

ماهر مروان، والی/استاندار دمشق در تاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۲۴ در گفت‌وگو با رادیوی عمومی آمریکا اظهارات جنجالی مطرح کرد. او گفت: «ما خواهان صلح هستیم و نمی‌خواهیم دشمن اسرائیل یا هیچ‌کس دیگری باشیم.»

تبصره:

این اظهارات واقعاً بسیار خطرناک است! ماهر مروان حتی تجاوزات رژیم یهود به سوریه و اشغال بخش‌های جدیدی از سرزمین‌های آن را توجیه کرد. او در این باره گفت: «ممکن است اسرائیل احساس ترس کرده باشد و به همین دلیل کمی پیشروی کرده و کمی بمباران کرده باشد. این یک ترس طبیعی است. ما هیچ ترسی از اسرائیل نداریم و مشکلی با اسرائیل نداریم. ما هیچ تمایلی به دخالت در مسائلی که امنیت اسرائیل را تهدید کند، نداریم. افرادی هستند که می‌خواهند همزیستی کنند، می‌خواهند صلح داشته باشند و نمی‌خواهند درگیری کنند. ما خواهان صلح هستیم و نمی‌توانیم دشمن اسرائیل یا دشمن هیچ‌کس دیگری باشیم.»

آیا این خیانت، رذالت و تسلیم شدن نیست؟! ای اهل انقلاب، به خود بیایید! انقلاب شما به بهای ناچیز فروخته می‌شود؛ درحالی‌که شما قربانی‌های بزرگی داده‌اید!

و رادیو اعلام نمود: «ماهر مروان از ایالات متحده درخواست کرده است که برای بهبود روابط با اسرائیل تسهیلاتی فراهم کند.» آیا این درخواست، تأییدی بر وابستگی به آمریکا و اشتیاق شدید برای صلح با رژیم یهود نیست؟!

اظهارات مروان کاملاً با اظهارات رئیسش، جولانی، در مصاحبه‌ای با تلویزیون سوریه در تاریخ ۱۴ دسامبر ۲۰۲۴ تطابق دارد، جایی که گفت: «وضعیت سوریه که پس از سال‌ها جنگ و درگیری‌ها فرسوده شده است، اجازه ورود به درگیری‌های جدید را نمی‌دهد. ساخت‌وساز و ثبات در اولویت قرار دارند و نباید به سمت درگیری‌های جدیدی کشیده شویم که منجر به ویرانی بیشتر شود.»

این سخنان، دلسردکننده و تسلیم‌طلبانه هستند؛ توجیهات بی‌پایه‌ای از کسانی که نمی‌خواهند اسلام را تطبیق کنند و جهاد را برای آزادسازی سرزمین‌های اشغال‌شده و فلسطین اعلام نمایند؛ بلکه هدفشان اینست که مردم را به نیازدگی وادارند تا در ذلت زندگی کنند، به دنیا بچسبند، به کار و سازندگی سرگرم شوند، از لذت‌های مادی بهره‌مند شوند و بخورند!

آن‌ها در توهم هستند که نجات خواهند یافت و به اهدافشان خواهند رسید، اما در واقع به خواری دچار خواهند شد. شمشیر اشغالگری همچنان بر سر آن‌ها خواهد ماند و این اشغال، ریشه‌هایشان را می‌زند و سرزمین‌شان را از هم می‌پاشد.

این اظهارات به حدی گستاخانه و خائنانه است که حتی طاغوت فراری، بشار اسد، یا هیچ‌یک از ارکان حکومت ساقط او جرأت بیان آن را نداشتند. این سخنان نشان‌دهنده ضعف و خیانتی است که چیزی کمتر از خیانت و تسلیم‌شدگی کسانی که با رژیم یهود عادی‌سازی روابط کرده‌اند، نیست.

آیا این‌ها از شروط آمریکا برای پذیرش سقوط مزدورش، بشار اسد و آوردن این افراد از طریق ترکیه بوده است؟! چرا که آمریکا هیچ نظامی را نمی‌پذیرد؛ مگر اینکه تعهد به صلح با رژیم یهود دهد یا حداقل تعهد کند که با آن جنگ نکند و تنها به شکایت به سازمان ملل و اظهارات پوچ بسنده کند؛ همان‌طور که رژیم بشار اسد با تکرار عبارت «حق پاسخگویی را در زمان مناسب محفوظ می‌داریم» عمل می‌نمود.

رادیو عمومی آمریکا همچنین گزارش داد: «ماهر مروان به فلسطینی‌ها یا جنگ در غزه اشاره‌ای نکرد.» و افزود: «گزارش‌هایی در رسانه‌های اسرائیلی منتشر شده است که نشان می‌دهد ایالات متحده اسرائیل را ترغیب کرده است تا با هیئت تحریرالشام تعامل کند، اما اسرائیل هنوز متردد است.»

آیا مسئله برادران‌شان در فلسطین و جنایاتی که رژیم یهود در آنجا مرتکب می‌شود، به رهبران جدید سوریه اهمیتی ندارد؟! آیا تصور می‌کنند که نوبت به مردم سوریه نخواهد رسید؛ اگر علیه رژیم یهود اقدام کنند و بخواهند آن‌ها را از سرزمین‌های‌شان بیرون کنند؟!

این وضعیت شباهت زیادی به زمانی دارد که بغداد به مغولان تسلیم شد و آن‌ها در این شهر قتل، ویرانی و تخریب گسترده‌ای به بار آوردند. پس از آن، مغولان به سمت دمشق پیشروی کردند. رهبران دمشق از ترس با مغولان، که مردمان خیانت‌پیشه‌ای بودند، صلح کردند و گمان کردند که نجات خواهند یافت. اما مغولان، پس از صلح، به آن‌ها خیانت کردند و در دمشق کاری مشابه آنچه در بغداد انجام داده بودند، انجام دادند.

حتی آن رهبران به جنگ با برادران خود برخاستند؛ کسانی که صلح با مغولان را رد کرده و بر مبارزه اصرار داشتند. آن‌ها به بهانه نقض عهد، برادران خود را دشمن تلقی کردند! گویی این صحنه دوباره تکرار می‌شود: رهبران جدید دمشق تسلیم شوند و به جنگ با کسانی بپردازند که صلح با مغولان جدید، یعنی رژیم یهود، را نمی‌پذیرند و بر مبارزه اصرار دارند! الله متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنفَأْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَّعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [توبه: ۳۸]

ترجمه: ای مؤمنان! شما را چه شده که وقتی به شما گفته می‌شود؛ در راه الله خروج کنید، سستی می‌کنید و به زمین می‌چسبید؟ آیا به جای آخرت به زندگی دنیا راضی شده‌اید؟ کالای زندگی دنیا در برابر آخرت اندک و ناچیز است.

بعضی از افراد چنین توجیه می‌کنند که آمریکا، رژیم یهود، اروپا و کشورهای منطقه‌ای وابسته به آن‌ها، اجازه تطبیق اسلام و اقامه خلافت را نخواهند داد و علیه آن حمله خواهند کرد تا آن را نابود کنند و اینکه سوریه توان مقابله با این کشورها را ندارد. اما آن‌ها الله سبحانه و تعالی را فراموش کرده‌اند و از توکل بر او سبحانه و تعالی غافل‌اند، در حالی که وعده الله متعال به کسانی که او را یاری کنند، پیروزی است و این پیروزی را با فرستادن فرشتگان و مؤمنان برای یاری آنان تضمین کرده است.

بلی، دقیقاً این سخنان به این معناست که کسانی که دعوت به تطبیق اسلام را بیهوده می‌دانند و معتقدند که باید تسلیم شوند و با آنچه کشورهای کفر بر آن‌ها تحمیل می‌کنند راضی باشند، در حقیقت به اشتباه عمل می‌کنند. هرچقدر که آن‌ها از اصول خود دست بردارند، کافران از آن‌ها خواسته‌های بیشتری خواهند داشت. این روند در تاریخ همواره مشاهده شده است، مانند آنچه در اندلس و دیگر سرزمین‌ها رخ داد، که هر بار مسلمانان از مواضع خود کوتاه آمدند، کافران خواستار عقب‌نشینی‌های بیشتری شدند.

این حقیقتی است که الله سبحانه و تعالی در قرآن کریم به ما آموخته است، همانطور که در آیه‌ای می‌فرماید:

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصْرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مَلَّتَهُمْ...﴾ [بقره: ۱۲۰]

ترجمه: و یهود و نصارا هرگز از تو راضی نخواهند شد؛ مگر اینکه از آیین‌شان پیروی کنی...

همچنین الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿...وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَعُوا...﴾

ترجمه: ... (مشرکان)، همواره با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند... [بقره: ۲۱۷]

این‌گونه عراق در توانایی‌های کشورهای کفر و کوچک‌شمردن توانایی‌های مسلمانان، موجب ناامیدی، یأس و دلسردی در میان امت اسلامی و کسانی می‌شود که در تلاش برای احیای آن و آزادسازی و اقامهٔ خلافت هستند. این تفکرات یک مغالطه بزرگ است، چه از سر نیت خوب باشد یا بد.

مجموع مردم خسته نمی‌شوند، بلکه به شرایط جنگ عادت می‌کنند، می‌سازند و می‌جنگند. رسول الله صلی‌الله علیه و سلم دولت را پایه‌گذاری نمود و اسلام را به مرحله تطبیق آورد، به‌طوری‌که هر بار حادثه‌ای رخ می‌داد، الله سبحانه و تعالی حکم آن را به او وحی می‌کرد و رسول الله صلی‌الله علیه و سلم هم‌زمان در داخل آن را تطبیق می‌نمود و توسط جهاد آن را در بیرون حمل می‌نمود. خلفای راشدین نیز بر اساس سنت او صلی‌الله علیه و سلم حرکت کردند و خلفای بعدی تقریباً همین رویه را دنبال کردند؛ هم اسلام را در داخل تطبیق و هم توسط جهاد آن را در بیرون حمل نمودند. امت به این شرایط عادت نمود و دولت اسلامی تبدیل به بزرگ‌ترین دولت جهان برای نه قرن و قدرت بزرگ برای چهار قرن شد.

مقاومت مسلمانان در افغانستان و عراق و پیروزی‌های آن‌ها بر کافران، تمام این مغالطات را رد می‌کند. در افغانستان، آن‌ها به مدت ۲۰ سال با آمریکا و متحدانش جنگیدند و آن‌ها را شکست دادند. اگر خلافت را اعلام کرده بودند و به اتحاد سرزمین‌های اسلامی می‌پرداختند، الله سبحانه و تعالی آن‌ها را یاری می‌کرد. اگر این رؤسای سرزمین‌ها می‌خواستند با آن‌ها جنگ کنند، مردم آمادگی برای جنگ دارند و روحیه و امید به پیروزی دارند، زیرا آن‌ها برای اولین بار بر نیروهای شر پیروز شدند و اگر دوباره مورد حمله قرار گیرند، با کمک الله سبحانه و تعالی آن‌ها را شکست خواهند داد. در سوریه نیز آن‌ها با رژیم جنایتکار و حامیان مستقیم آن یعنی روسیه، ایران، حزب‌الله لبنان و پیروان آن‌ها جنگیدند و پس از ۱۴ سال بر آن‌ها غلبه کردند.

اگر خلافت را اعلام کنند و اسلام را به‌طور کامل پیاده کنند، الله سبحانه و تعالی آن‌ها را یاری خواهد کرد؛ همان‌طور که در مقابل این جنایتکاران به پیروزی رسیدند. مردم آماده‌اند تا با آمریکا، رژیم یهود و دیگران بجنگند، حتی اگر جنگ ۱۴ سال دیگر به طول انجامد. اما در پایان، آن‌ها بنیان‌گذار بنایی عظیم خواهند بود، بنای خلافت بر اساس منهج نبوت، که در هر دو جهان عزیزشان می‌دارد و به ارادهٔ الله سبحانه و تعالی تا قیامت ادامه خواهد یافت.

نویسنده: أسعد منصور

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب‌التحریر

مترجم: عبدالرحمن مستنصر